



بازخوانی حکمت ۱۴۱ نهج البلاغه در ارتباط با ضرورت دینی ازدیاد نسل

محسن رفعت، زهره کاشانی، زهرا دولتی^۲

چکیده

آموزه‌های نهج البلاغه که یکی از منابع حدیثی معتبر است جایگاه ارزنده‌ای در میان شیعیان دارد و چون پیروان مذهب امامیه قائل به عصمت گوینده آن یعنی، امام علی علیه السلام هستند، ضروری است تا روایات موجود در این کتاب از نظر سندی، متنی و کیفیت صدور ارزیابی شود. حدیث «قَلَّةُ الْعِيَالِ أَحَدُ الْيَسَارَيْنِ» که سیدرضی آن را در شمار حکمت ۱۴۱ نهج البلاغه ذکر نموده است از جمله گفتارهای چالش برانگیز در ارتباط با مسئله فرزندآوری است که امروزه برداشت‌های متفاوتی از آن ارائه می‌شود. نیاز جامعه اسلامی به ازدیاد نسل بر اهمیت بررسی محتوای این روایت افزوده است. براین اساس، پژوهش حاضر به روش تحلیلی- اسنادی و با هدف بازخوانی حکمت ۱۴۱ نهج البلاغه برای کشف مراد اصلی گوینده این کلام در ارتباط با ازدیاد نسل انجام شد. نتایج بررسی‌ها نشان داد که هیچگونه ترغیب مخاطب به کاهش تعداد اولاد در روایت فوق وجود ندارد. براساس ادله‌ای همچون همخوانی کلام امام علی علیه السلام با منطق و همسویی آن با تجربیات و داده‌های عقلی، می‌توان دریافت که سخن آن حضرت فقط ناظر به حقیقتی خارجی بیان شده است و نمی‌توان آن را در مقام نفی مطلوبیت فرزندآوری دانست. آموزه‌های قرآنی، روایی، فقهی، روان‌شناختی و همچنین سیره اهل بیت علیهم السلام نیز بر مفاهیمی مطابق با اهمیت فرزندآوری و تداوم نسل بشر از طریق توالد و تربیت اولاد شایسته‌ای که زمینه‌ساز رشد و پیشرفت جامعه باشد، دلالت دارد.

واژگان کلیدی: نهج البلاغه، فرزندآوری، حکمت ۱۴۱، قلة العیال، ازدیاد نسل در روایات،

امام علی علیه السلام.

DOI: 10.22034/ijwf.2024.17862.2206

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۴ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۲/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۳
۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه حضرت معصومه علیها السلام قم، ایران.

Email: Mohsenrafaat@hmu.ac.ir

0000-0002-2628-7957

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم حدیث گرایش نهج البلاغه، دانشگاه حضرت معصومه علیها السلام قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Z.kashani@hmu.ac.ir

0009-0007-2340-7339

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم حدیث گرایش نهج البلاغه، دانشگاه حضرت معصومه علیها السلام قم، ایران.

Email: Z.doulati@hmu.ac.ir

0009-0006-5736-6259

Rereading the 141th Wisdom of Nahj al-Balagha with an Emphasis on the Religious Necessity of Reproduction

Mohsen Rafat¹, Zohreh Kashani ², Zahra Dolati³

The teachings of Nahj al-Balagha, which is one of the authentic narrative sources, has a valuable place among Shiites, and since the followers of Imamiah believe in the infallibility of its speaker, Imam Ali, it is necessary to evaluate the narrations in this book in terms of document, text, and the issue quality. The Hadith of "Qellat al-Eyal Ahad al-Yasarain", which Seyed Razi mentioned it as the 141th wisdom of Nahj al-Balagha, is one of the challenging sayings related to the issue of having children, which today has different interpretations. The need of the Islamic society to increase the generation has added to the importance of examining the content of this narrative; thus, this study was conducted with the aim of rereading the 141th wisdom of Nahj al-Balagha with an emphasis on the religious necessity of reproduction with an analytical-documentary method. The results indicated that there is no incentive for the audience to reduce the number of children in that narration. Based on evidence, such as the consonance of Imam Ali's words in this wisdom with logic and its alignment with experiences and intellectual data, it can be understood that Imam Ali's speech was only expressed in view of an external truth, and it cannot be seen as negating the desirability of having children. The Quranic, narrative, jurisprudential, and psychological teachings as well as the life of Ahl al-Bayt are also based on such a belief, that is, the significance of having children and reproduction through the birth and education of worthy children, which lays the foundation for growth and progress of the society.

Keywords: Nahj al-Balagha, having children, 141th wisdom, Qellat al-Eyal, reproduction in narratives, Imam Ali.

DOI: 10.22034/ijwf.2024.17862.2206

Paper Type: Research


Data Received: 2024/01/14

Data Revised: 2024/05/02

Data Accepted: 2024/05/12

1. Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Hazrat Masoumeh University, Qom, Iran.

Email: mohsenrafaat@hmu.ac.ir

 0000-0002-2628-7957

2. M.A. Student in Hadith Sciences in the Field of Nahj al-Balagha, Hazrat Masoumeh University, Qom, Iran.


(Corresponding Author)

Email: z.kashani@hmu.ac.ir

 0009-0007-2340-7339

3. M.A. Student in Hadith Sciences in the Field of Nahj al-Balagha, Hazrat Masoumeh University, Qom, Iran.

Email: z.doulati@hmu.ac.ir

 0009-0006-5736-6259

۱. مقدمه

با ظهور اسلام که دین خاتم و برترین ادیان الهی است بشر به دوران جدیدی از زندگی خود قدم نهاد که همه آنچه را بدان نیاز داشت از راه وحی بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد، با سنت ائمه بعد از رسول صلی الله علیه و آله تکامل یافت و به اشکال گوناگون به مردم ابلاغ گردید. منابع شریعت اسلامی متشکل از آموزه‌های قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام که دو رکن مهم و تفکیک‌ناپذیر و راهنمای انسان در طول حیات وی است، همواره در معرض آسیب و دستبرد مخالفان قرار گرفته است. در حال حاضر نیز دشمنان دین با روش‌های مختلف تلاش می‌کنند اعتبار این نصوص را خدشه‌دار و از اهمیت آن کم کنند. قرآن مجید به دلیل جایگاه و رسالت ویژه‌ای که از بدو نزول بر رسول خاتم صلی الله علیه و آله دریافت نمود از گزند این حوادث مصون است، اما روایات اهل بیت علیهم السلام که سخنانی از جنس کلام بشر است در زمان‌های مختلف دستخوش تغییراتی شده است. امروزه، اعتماد و اطمینان به صدور روایات از معصومان و کشف مراد حقیقی آنها در گرو ارزیابی سندی و تحلیل متنی هر کدام است. یکی از این احادیث، عبارتی از امام علی علیه السلام در نهج البلاغه است که فرمود: «قَلَّةٌ الْعِيَالِ أَحَدُ الْيَسَارِينِ» (شریف‌رضی، ۱۴۱۹ هـ.ق) که مترجمان آن را چنین معنا کرده‌اند: «کمی زن و فرزند یکی از دو آرامش است» (میرزایی، ۱۳۸۸؛ دشتی، ۱۳۷۹؛ شاهین، ۱۳۷۹).

از آنجاکه سخن امام علی علیه السلام در این جمله ناظر به یکی از راه‌های توانگری و کسب آسایش در زندگی است بازتاب گسترده‌ای میان افکار عمومی داشته است. برخی افراد از مفهوم آن چنین برداشت می‌کنند که آن حضرت در پی تشویق و ترغیب مخاطبان خود به کم‌فرزندی است. پژوهش حاضر به روش تحلیلی-اسنادی و با هدف بازخوانی حکمت ۱۴۱ نهج البلاغه به روش تحلیلی-اسنادی و با هدف بازخوانی حکمت ۱۴۱ نهج البلاغه با تمرکز بر ضرورت دینی ازدیاد نسل انجام شد پاسخ این سؤالات را که نتایج حاصل از ارزیابی‌های سندی و محتوایی این روایت چیست؟ کثرت یا قلت عیال در چه صورت موجب آسودگی خواهد بود؟ و چه دلایلی برای مخالفت با استنباط مفهوم تشویق به کم‌فرزندی از این روایت وجود دارد، بررسی شد.

در این مورد آثاری به رشته تحریر درآمده است. از جمله کتاب رساله نکاحیه از حسینی

طهرانی (۱۴۲۵ هـ.ق)، مقاله تأملی در سیاست کنترل جمعیت، آثار و پیامدهای آن از فولادی (۱۳۹۰)، مقاله اسلام و سامان دهی جمعیت از رهبری (۱۳۸۱)، مقاله تأثیر آموزه‌ها و فتاوی شیعی در رشد و کنترل جمعیت از علیی (۱۳۸۴) و مقاله واکاوی مقوله کنترل جمعیت با رویکرد دینی از پاکیزه و شوبکلانی (۱۳۹۵) که در این مورد درخور توجه است. همچنین مقاله اعتبارسنجی سندی و تحلیل متنی روایات فرزندآوری نوشته علی محمدی، اکبرنژاد و رضایی (۱۳۹۶) و مقاله پژوهش فقهی در تکثیر نسل و نسبت آن با تحکیم خانواده، نوشته عاشوری، غریبپور و جوکار (۱۴۰۲) نیز در خلال ارزیابی روایات مشوق فرزندآوری، گریزی کوتاه به بررسی این حدیث و تحلیل مفاد صحیح آن دارند. مرتبط‌ترین پژوهش با سیاق پژوهش حاضر، مقاله اعتبارسنجی سندی و تحلیل متنی روایات فرزندآوری نوشته اکبرنژاد و محمودی (۱۴۰۲) است که پس از بررسی روایت در منابع شیعه و سنی، با رویکرد پاسخ به شبهه برخاسته از حدیث فوق، یعنی «فرزند کمتر، زندگی بهتر»، روایت را بررسی نموده است. حال آنکه در پژوهش حاضر به طور خاص و با تبعی کامل تر از مقاله فوق، علاوه بر رویکرد شبهه پژوهانه، ابعاد مختلف لغوی، قرآنی، روایی، فقهی، روان‌شناختی و عقلی این روایت ارزیابی شده است.

۲. چارچوب نظری پژوهش

فهم حدیث مقصدی والاست که رسیدن به آن، پیمودن مرحله به مرحله یک مسیر مشخص و نه چندان کوتاه را می‌طلبد (مسعودی، بی تا) تا در انتها به فهم صحیح و کاملی از سخن معصوم بیانجامد. از آنجا که روایات متشکل از دو جزء سند و متن است سنجش آنها مستلزم تتبع کامل در اعتبار سند و محتوای احادیث است. پیش از بررسی متن حدیث، لازم است استناد متن مورد نظر به معصومان روشن شود تا پس از اطمینان عرفی و نسبی به صدور روایت، فهم مفاد آن صورت پذیرد.

۱-۲. منبع‌شناسی و تحلیل سندی

حسینی الخطیب در کتاب *مصادر نهج البلاغه و اسانیده* برای حدیث مذکور منابعی مانند *البيان والتبيين* جاحظ^۱، *ادب الکتاب* ابوبکر صولی^۲ و *تحف العقول* ابن شعبه حرانی را بر شمرده

۱. *البيان والتبيين* از مهمترین کتاب‌های ابو عثمان عمرو بن بحر جاحظ بصری (م ۲۵۵ یا ۲۵۶ ق)، متکلم و ادیب معتزلی و مؤلف کثیرالتالیف در قرن سوم هجری است. ابن خلدون این کتاب را از امهات کتب ادب عربی بر شمرده است (ابن خلدون، ۱۴۰۸ هـ.ق).
 ۲. *ادب الکتاب* به زبان عربی در آداب کتابت از ابوبکر محمد بن یحیی صولی (م ۳۲۵ یا ۳۲۶ ق) مورخ و ادیب عرب از کاتبان و نویسندگان چیره‌دست عصر عباسی بود. (حسینی، ۱۴۰۹، ۱۴۲/۴)

است و چون انتساب عبارات قبل و بعد از آن به امام علی علیه السلام را محرز می‌داند احتمال صدور این روایت از ایشان را نیز مطرح نموده است. (حسینی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۱۲۲/۴) از آنجا که دو منبع اول از کتب ادبی است، سندی برای این عبارت در آنها مشاهده نمی‌شود (جاحظ، ۲۰۰۲، ۸۵/۱؛ صولی، ۱۳۴۱). در کتاب سوم نیز مؤلف، این روایت را ذیل نصایح و آداب چهارصدگانه منقول از امام علی علیه السلام (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳) آورده، اما همچنان مرسل و بدون سند است. بررسی‌ها در منابع متقدم نشان می‌دهد این عبارت علاوه بر نهج البلاغه به ترتیب در هفت منبع روایی کهن از جمله قرب الاسناد، تحف العقول، دعائم الاسلام، من لایحضره الفقیه، امالی شیخ صدوق، الخصال و عیون اخبار الرضا علیه السلام نیز وجود دارد که شایسته است وضعیت هریک ارزیابی شود.

اول، بررسی روایت در کتاب قرب الاسناد

قرب الاسناد تألیف ابوالعباس، عبدالله بن جعفر حمیر، از یاران امام حسن عسکری علیه السلام و از روات بزرگ شیعه در نیمه دوم قرن سوم هجری است. روایت «قَلَّةُ الْعِيَالِ أَحَدُ الْيَسَارَيْنِ» در این کتاب براساس عبارت نهج البلاغه و بدون هیچ توضیحی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است: «عَنْهُ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ، عَنْ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: قَلَّةُ الْعِيَالِ أَحَدُ الْيَسَارَيْنِ» (حمیری، ۱۴۱۳ هـ.ق). علمای رجالی بر وثاقت و صحت مذهب عبدالله بن جعفر حمیری اتفاق نظر دارند (ر.ک. نجاشی، ۱۴۰۷ هـ.ق؛ طوسی، بی تا؛ طوسی، ۱۳۸۱؛ حلی، ۱۴۱۱ هـ.ق). باتوجه به اسناد قبل، مرجع ضمیر در «عنه» حسن بن ظریف بن ناصح است که او نیز ثقه امامی است (ر.ک. نجاشی، ۱۴۰۷ هـ.ق؛ حلی، ۱۴۱۱ هـ.ق). حسین بن علوان الکلبی هم ثقه (حلی، ۱۴۱۱ هـ.ق) ولی عامی مذهب (نجاشی، ۱۴۰۷ هـ.ق؛ حلی، ۱۴۱۱ هـ.ق) است. از این رو، باتوجه به حال روات و اتصال طبقات، حدیث از نظر سندی موثق است.

دوم، بررسی روایت در کتاب تحف العقول

تحف العقول اثر ابن شعبه حرانی است که از معاصران شیخ صدوق (م ۳۸۱ هـ.ق) می‌باشد و شیخ مفید (م ۴۱۳ هـ.ق) از شاگردان اوست. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۴۰۰/۳) این کتاب نیز روایت را مشابه عبارات نهج البلاغه و بدون سند به منظور اختصار (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳) از امام علی علیه السلام نقل نموده است (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳).

۱. در برخی نسخه‌ها شماره این حکمت از ۹۳ تا ۱۴۱ متفاوت است. (ر.ک. شریف‌الرضی، ۱۴۳۱؛ شریف‌الرضی، ۱۳۷۲؛ شریف‌الرضی، ۱۴۱۴)



سوم) بررسی روایت در کتاب دعائم الاسلام

دعائم الاسلام از ابوحنیفه، نعمان بن محمد بن منصور بن احمد بن حیون تمیمی مغربی (۲۵۹-۳۶۳ هـ.ق)، دانشمند و فقیه بزرگ اسماعیلیه در قرن چهارم هجری، است. مؤلف، حدیث مورد نظر را در خلال روایتی مرسل و بدون ذکر سند به نقل از پیامبر اکرم ﷺ چنین آورده است: «جَهْدُ الْبَلَاءِ كَثْرَةُ الْعِيَالِ وَقِلَّةُ الْمَالِ وَقِلَّةُ الْعِيَالِ أَحَدُ الْيَسَارَيْنِ؛ شدت بلا و سختی وقتی است که زن و فرزند، زیاد و مال و ثروت، کم باشد و کمی عیال، یکی از دو آسایش است» (ابن حیون، ۱۳۸۵، ۲/۲۵۵).

چهارم) بررسی روایت در کتاب من لایحضره الفقیه

من لایحضره الفقیه تألیف ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی مشهور به شیخ صدوق، یکی از کتب اربعه روایی شیعه و مجموعه روایات اهل بیت ﷺ درباره مسائل فقهی و احکام شرعی است که از نظر نویسندگان صحیح و معتبر است. در این اثر نیز حدیث مورد نظر مطابق عبارات نهج البلاغه، اما به نقل از امام صادق ﷺ وجود دارد. (صدوق، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۴/۴۱۶) شیخ صدوق از پدرش علی بن حسین بن بابویه که وثاقت و امامی بودنش روشن است (نجاشی، ۱۴۰۷ هـ.ق؛ طوسی، ۱۳۸۱؛ طوسی، بی تا؛ حلی، ۱۴۱۱ هـ.ق)، از علی بن ابراهیم بن هاشم و پدرش که هر دو نیز ثقه امامی می باشند (نجاشی، ۱۴۰۷ هـ.ق؛ طوسی، ۱۳۸۱؛ حلی، ۱۴۱۱ هـ.ق)، از صفوان بن یحیی ثقه امامی (نجاشی، ۱۴۰۷ هـ.ق؛ طوسی، ۱۳۸۱؛ حلی، ۱۴۱۱ هـ.ق) و او از محمد بن ابی عمیر، ثقه امامی مذهب (کشی، ۱۳۴۸؛ نجاشی، ۱۴۰۷ هـ.ق؛ طوسی، ۱۳۸۱؛ طوسی، بی تا؛ حلی، ۱۴۱۱ هـ.ق)، از موسی بن بکر الواسطی که ثقه غیر امامی است (خویی، ۱۳۶۹، ۲۰/۳۳؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۲/۲۷۲؛ مازندرانی حائری، ۱۴۱۶ هـ.ق، ۶/۳۴۵)، از زرار بن اعین شیبانی که امامی ثقه (کشی، ۱۳۴۸؛ نجاشی، ۱۴۰۷ هـ.ق؛ طوسی، ۱۳۸۱؛ حلی، ۱۴۱۱ هـ.ق) و از اصحاب اجماع است (کشی، ۱۳۴۸) چنین روایتی را از امام جعفر صادق ﷺ نقل کرده اند. در نتیجه باتوجه به حال راویان و اتصال طبقات، این حدیث از نظر سندی موثق است.

پنجم) بررسی روایت در کتاب امالی شیخ صدوق

در امالی نیز شیخ صدوق این روایت را مانند عبارات نهج البلاغه آورده است با این تفاوت که این بار امام جواد ﷺ ناقل سخن از امام علی ﷺ است. (صدوق، ۱۳۷۶) وی این کلام را از علی بن احمد بن محمد بن موسی الدقاق که ثقه امامی است (خویی، ۱۳۶۹، ۱۲/۲۷۸)، از محمد بن هارون صوفی که اطلاعات رجالی وی مشخص نیست از ابوتراب عبیدالله بن الرویانی که

حال رجالی او نیز نامعلوم است از عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی که ثقه امامی (حلی، ۱۴۱۱ هـ.ق) و از علمای جلیل القدر مذهب تشیع است به نقل از امام جواد علیه السلام بیان نموده است که با جمع بندی اوصاف راویان، این حدیث از نظر سندی ضعیف و غیر قابل اعتبار است.

ششم) بررسی روایت در کتاب الخصال

در *الخصال* نیز شیخ صدوق روایت را مشابه عبارات *نهج البلاغه* و از امام صادق علیه السلام به نقل از اجداد بزرگوارش نقل کرده است. (صدوق، ۱۳۶۲، ۶۲۰/۲) راویان این حدیث، محمد بن بابویه از پدرش علی بن الحسین از سعد بن عبدالله (نجاشی، ۱۴۰۷ هـ.ق؛ طوسی، بی تا؛ طوسی، ۱۳۸۱؛ حلی، ۱۴۱۱ هـ.ق)، از محمد بن عیسی بن عبید یقطینی (کشی، ۱۳۴۸؛ نجاشی، ۱۴۰۷ هـ.ق؛ حلی، ۱۴۱۱ هـ.ق)، از قاسم بن یحیی بن الحسن الراشد (خویی، ۱۳۶۹، ۶۸/۱۵)، از جدش حسن بن راشد مولی بنی العباس (کشی، ۱۳۴۸؛ خویی، ۱۳۶۹، ۳۰۹/۵)، از یحیی ابوبصیر اسدی (نجاشی، ۱۴۰۷ هـ.ق) و محمد بن مسلم ثقفی (کشی، ۱۳۴۸؛ نجاشی، ۱۴۰۷ هـ.ق؛ حلی، ۱۴۱۱ هـ.ق) است که همگی جزو ثقات مذهب امامیه می باشند و با توجه به حال راویان و اتصال طبقات، حدیث از نظر سندی صحیح است.

هفتم) بررسی روایت در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام

عیون اخبار الرضا علیه السلام از شیخ صدوق، مفصل ترین و معتبرترین کتاب در مورد جوانب مختلف زندگی امام رضا علیه السلام است که گردآورنده سخنان ایشان در موضوعات گوناگون، این روایت را مانند عبارات *نهج البلاغه* با سندی ضعیف مشابه سند موجود در کتاب *امالی* از امام جواد علیه السلام به نقل از امام علی علیه السلام بیان نموده است. (ر.ک.، صدوق، ۱۳۷۸، ۵۳/۲) نتایج جست و جو در منابع حدیثی نشان می دهد روایت «قَلَّةُ الْعِيَالِ أَحَدُ الْيَسَارِينِ» با اسنادی متصل، صحیح و موثق از ناحیه معصوم علیه السلام صادر شده و سخنی از جانب اهل بیت علیهم السلام است که قابل استناد می باشد.

۲-۲. تحلیل محتوایی

بررسی های سندی یک روایت هیچ گاه نمی تواند دلیل پذیرش یا رد آن باشد. از آنجاکه هر حدیث متشکل از دو بخش سند و متن بوده و سند فقط جزئی از روایت است باید به جزء دیگر آن یعنی، متن حدیث هم توجه شود. اگرچه در ارزیابی روایات، ابتدا سند آنها بررسی



می شود، نقد متن مهمترین راه اعتبارسنجی احادیث است. (نفیسی، ۱۳۸۰) معیارهای بررسی و سنجش احادیث نیز گوناگون است و بنابر اقتضای مضمون هر روایت باید آنها را در تحلیل و ارزیابی میزان درستی یا نادرستی محتوای نقل شده از معصومان علیهم السلام به کار بست؛ از جمله مطابقت با قرآن، سنت، عقل، مسلمات دینی و مذهبی، حس و تجربه، علم قطعی و تاریخ معتبر. بیان این مطلب از طرف امام علیه السلام که «نان خور کمتر، موجب آسایش در زندگی است» نه از نگاه آیات وحی و نه از دیدگاه عقل و سنت هیچ منع صدوری ندارد؛ زیرا به نظر می رسد این سخن، کلامی برپایه منطق و هم سو با تجربیات و داده های عقلی است؛ زیرا در عالم واقع نیز کمی عائله با کاهش مخارج سرپرست خانواده سبب ذخیره دارایی و توانگری بیشتری می شود که این کلام از نظریه برخی شارحان نیز قابل برداشت است (ر.ک.، قمی، ۱۳۷۶؛ کاشانی، بی تا، ۶۶۱/۲؛ دخیل، ۱۴۰۶ هـ.ق، ۷۹/۳؛ موسوی، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۳۱۹/۵).

از آنجاکه در میان عرب اختیار کردن همسران متعدد، رسمی رایج و مرسوم بوده است، طبیعی است که داشتن همسر و فرزند کمتر، اموال بیشتری را نزد مرد نگه می دارد و این شیوه به فرموده امام علیه السلام یکی از راه های کسب آسایش در زندگی است. ممکن است برخی افراد چنین برداشت کنند که آن حضرت با بیان این سخن درصدد تشویق و ترغیب مخاطب به فرزندآوری کمتر یا عدم تشکیل زندگی است؛ چراکه ازدیاد نان خوران، رفاه اقتصادی فرد را کاهش می دهد، حال آنکه با در نظر گرفتن شواهد درون متنی، بینامتنی و فرامتنی زیر این تصور اشتباه است.

۲-۱-۲. شواهد درون متنی

در بدو ارزیابی هر حدیث، معناشناسی مفردات آن الزامی است و تبیین واژگان به کار رفته در کلام معصوم راهگشای کشف مراد حقیقی ایشان است.

اول) واژه شناسی عیال

زبان شناسان برای ریشه عول یا عیال، معانی مختلفی بیان کرده اند که عبارتند از: تنگدستی (جوهری، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۱۷۷۹/۵؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۱۹۸/۴)، طلب رزق و درخواست کردن (صاحب، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۱۵۷/۲)، تکبر (ازهری، ۱۴۲۱ هـ.ق، ۱۲۶/۳)، افراد تحت تکفل (ابن منظور، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۴۸۸/۱۱؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۲۴۸/۲)، زیادت (زبیدی، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۵۳۶/۱۵)، حرص (ابن سیده، ۱۴۲۱ هـ.ق، ۳۶۱/۲) و ناتوان کردن (صاحب،



۱۴۱۴ هـ.ق، ۱۵۷/۲). راغب اصفهانی (۱۴۱۲ هـ.ق) نیز عول را به معنای سنگینی، نیازمندی و خانواده دانسته است. مشتقات این ریشه در برخی آیات قرآن وجود دارد: «وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَهُ» (توبه: ۲۸)؛ «وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنِي» (ضحی: ۸). در برخی روایات نیز مشتقات آن بیان شده است: «الْخَلْقُ عِيَالٌ لِلَّهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱۶۴/۲) و «الرِّزْقُ مَعَ التَّسَاءِ وَالْعِيَالِ» (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۳۳۰/۵).

معنای اصطلاحی این واژه هم‌سو با برخی معانی لغوی آن است و چون تکفل همسر و فرزندان با مرد است کلمه عیال یا عائله، به این دلیل برای آنها به کار می‌رود. باید گفت که زن و فرزند فقط مصداقی از واژه عیال است، اما به دلیل شیوع این مفهوم در عرف، امروزه بیشتر در همین معنا شناخته شده است و کاربرد دارد. به طور کلی، اصطلاح خاصی برای این لغت خارج از چهارچوب معانی لغوی آن مشاهده نشده است و این کلمات در زبان فارسی نیز به همین معنای به کاربرد می‌رود. براساس مطالب فوق، کلمه عیال در این روایت به معنای افراد تحت تکفل مرد یعنی، همسران و فرزندان و نان خوران اوست.

دوم) واژه‌شناسی یسارین

بسیاری از لغویان در بیان معنای ماده یسر، مفهوم سهولت، آسانی و نبود سختی را بیان کرده‌اند. (صاحب، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۳۶۹/۸، جوهری، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۸۵۷/۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ هـ.ق) فراهیدی این ریشه را به معنای سبکی - خفیف بودن - (فراهیدی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۲۹۵/۷) دانسته و ابن فارس نیز برای ماده یسر دو اصل معنایی در نظر گرفته است: گشایش، توسعه و سبکی: «انفتاح شیءٍ و خِفْتَهُ» و نیز به معنای عضوی از اعضا: «عضو من الاعضاء» (ابن فارس، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۱۵۵/۶). از مشتقات این ماده، «الْيَسْرَاتُ» به معنی «القَوَائِمُ الخَفِيفَةُ؛ گام‌های سبک و کوتاه» است (جوهری، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۸۵۸/۲؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۱۵۵/۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۲۹۵/۵؛ زبیدی، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۶۳۳/۷). با توجه به موارد فوق به نظر می‌رسد اصل معنایی این ماده سهولت و سبکی است. بنابراین، عبارت یسارین در روایت مورد بررسی، به معنای «دو آسانی» است.

جمع بندی: کلمه عیال در لغت عرب به افراد تحت تکفل گفته می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴ هـ.ق، ذیل ریشه عیل) و لزوماً به معنای خانواده یا فرزند نیست. چه بسا فرزندان که نان خور انسان نیستند و یا عائله‌ای که فرزند نیست مانند افرادی که مخارج آنها برعهده فرد دیگری که سرپرست اوست، قرار دارد درحالی‌که فرزند یا همسر آن فرد نیست. افرادی مانند خادم، شاگرد،

میهمان و یا حتی برخی از اقوام، بنابراین، رابطه میان عیال و اولاد از نوع عموم و خصوص من وجه است و فرزند، فقط یکی از مصادیق عائله انسان می باشد (حسینی طهرانی، ۱۴۲۵ ه.ق).

۲-۲-۲. بینامتنی

اول، باورهای دینی و فقهی

در آموزه های دین اسلام، طلب فرزند و کثرت نسل، مطلوبیت ذاتی دارد و با قطع نظر از شرایط اجتماعی و اقتصادی، حضور فرزندان در خانواده مایه زینت زندگی و موجب افزایش نشاط و عزت نفس والدین است. انعکاس اهمیت و برکت این موضوع در قاموس فرهنگ قرآنی و وجود تعابیر و توصیفات پسندیده در روایات نشانگر محبوبیت فرزندآوری و امری مقدس و ارزشمند از نگاه تعالیم دینی است. این موضوع، جایگاه و ضرورت این مسئله را بیش از پیش تبیین می کند. (ر.ک.، بخش بررسی شبهه در مقاله حاضر).

به نظر می رسد فقهای بزرگ قدیم قائل به حرمت اقدامات پیشگیرانه از وقوع بارداری و فرزندآوری بوده اند تا حدی که ادعای اجماع نیز بر آن مطرح شده است. (ر.ک.، مفید، ۱۴۱۳ ه.ق؛ طوسی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۳۵۹/۴؛ کیدری، ۱۴۱۶ ه.ق؛ عاملی، ۱۴۱۰ ه.ق) از جمله این فقها شیخ طوسی است که حکم این مسئله را حرمت اعلام کرده است. (ر.ک.، طوسی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۳۵۹/۴؛ طوسی، ۱۳۸۷، ۲۶۶/۴) در میان فقهای معاصر نیز اگرچه این موضوع حول محور رضایت زوجین دایر است، همچنان برخی آن را جایز نمی دانند (ر.ک.، مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ ه.ق؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۱۷ ه.ق، ۵۴/۲؛ منتظری، بی تا، ۳/۲۷۱). برخی دیگر آن را از موارد منطقه الفراغ برشمرده اند (ر.ک.، صدر، ۱۳۷۵)؛ بدین معنی که حکم اولیه این مسئله، اباحه خواهد بود، اما با توجه به موقعیت زمانی و مکانی هر عصر و براساس مصالح جاری عموم مسلمین، حکم ثانویه آن، تکثر یا قلت نسل تعیین می شود (سلطان محمدی و سلطان محمدی، ۱۴۰۰). از مجموع نصوص دینی و قواعد عقلی، فقهی و اصولی ناظر بر فرزندآوری و تکثیر موالید چنین استنباط می شود که تحدید نسل مسلمین در صورتی که کاهش جمعیت و قدرت نظام اسلامی را در پی داشته باشد، جایز نیست، بلکه در چنین شرایطی افزایش نرخ زاد و ولد ضرورت اساسی خواهد یافت (سلطان محمدی و سلطان محمدی، ۱۴۰۰). بنابراین، کلام امام علی علیه السلام را نمی توان به معنای تشویق یا تأیید کم فرزند دانست.

تولد فرزندان بیشتر، تولید نیروی انسانی کارآمد، سرمایه‌آفرینی و کمک به قوام جامعه را به دنبال دارد و این مسئله‌ای است که آموزه‌های دین اسلام همواره بر آن تأکید دارد. (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۲/۶-۳؛ صدوق، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۳/۳۸۳؛ صدوق، ۱۳۶۲، ۲/۶۱۰-۶۱۴) از آنجا که بلاد اسلامی برای گسترش قلمرو خود و دستیابی به پیشرفت‌های اجتماعی نیازمند نیروی کار جوان و پرتوان می‌باشد، روشن است که فرزندآوری و پرورش نیروهای انسانی، جامعه را در مسیر رشد بهتر و تکامل بیشتر قرار می‌دهد و این چشم‌انداز از نگاه اسلام مطلوب است. بنابراین، این برداشت از کلام امام علیه السلام بر تشویق به فرزندآوری کمتر و کاهش اهل و عیال، صحیح نیست؛ زیرا هیچ قرینه‌ای در ظاهر سخن ایشان مبنی بر ترغیب مخاطب به داشتن فرزند کمتر دیده نمی‌شود. از این رو، باید گفت که عبارت یادشده بیانگر یک واقعیت خارجی است و جز حکایت از امری بدیهی، معنای دیگری برای آن متصور نیست. همان‌طور که ابن میثم، دخیل و موسوی در شروح خود ذیل این حدیث آورده‌اند: «فرد هرچه عیال وارتر باشد، مخارج او هم بیشتر خواهد بود و شخصی که نان خور کمتری دارد نسبت به کسی که عائله او زیادتر است راحتی و آسایش بیشتری خواهد داشت که این آسایش نوعی ثروت است» (ابن میثم، ۱۳۷۵، ۵/۵۴۰؛ دخیل، ۱۴۰۶ هـ.ق، ۳/۷۹؛ موسوی، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۵/۳۱۹). بنابراین، یکی از راه‌های رفاه اقتصادی یا کسب درآمد بیشتر و رسیدن به تمکن مالی، کاهش عائله و مخارج است. سخن امام علی علیه السلام نیز ناظر به شیوه دوم بیان شده است و مضمون آن با تلاش برای ازدیاد نسل و افزایش اولاد منافاتی ندارد. باتوجه به نقل کتاب *دعائم الاسلام* از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم - که اولین منبع این حدیث است - (ر.ک.، ابن حیون، ۱۳۸۵، ۲/۲۵۵) و مشاهده عبارات قبلی این کلام، می‌توان از سیاق بحث دریافت که سخن درباره رابطه میان عائله زیاد، مال کم و شدت سختی بر سرپرست خانواده است (ر.ک.، ابن حیون، ۱۳۸۵، ۲/۲۵۵) که این مسئله‌ای بدیهی است و تحریض و تشویق به کم‌فرزندی در آن مطرح نیست. باید افزود در شرایطی که فرزندآوری، اجتماع مسلمانان را از نظر رشد جمعیت، افزایش توان اقتصادی، نظامی، علمی و... در وضعیت مناسب‌تری قرار می‌دهد و از مهمترین مؤلفه‌های قدرتمندی جوامع است، چه توجیه عقلانی برای دعوت پیشوای جامعه به

کاهش زاد و ولد، کاهش قدرت‌های اجتماعی و افول تدریجی حکومت اسلامی است؟ ازدیاد شمار مسلمانان، تقویت‌کننده جبهه آنها در برابر مخالفان است و به فرموده قرآن کریم که می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال: ۶۰) باید درمقابل دشمنان به انواع سلاح‌ها مجهز بود که یکی از مصادیق قدرت‌های بازدارنده، پشتوانه جمعیتی است (سقای بی‌ریا، ۱۴۰۱)، البته بر کسی پوشیده نیست که این پیشرفت‌ها زمانی حاصل می‌شود که درکنار افزایش نرخ باروری به مدیریت درست منابع، امکانات، وضع معیشتی مردم و دیگر مؤلفه‌های اقتصادی نیز به خوبی توجه شود، در غیراین صورت رشد بی‌رویه جمعیت مشکل‌آفرین خواهد بود.

دوم) داده‌های روان‌شناختی

فرزندآوری کارکردهای مهمی در سلامت روان انسان دارد. نتایج پژوهش‌های متخصصان بهداشت روانی و روان‌شناسی خانواده نشان می‌دهد که تولد فرزندان افق‌های تازه‌ای پیش‌روی والدین قرار می‌دهد و موجبات رشد و تعالی زندگی خانوادگی را فراهم می‌کند. شاید بتوان گفت که اندیشه فرزندآوری یکی از نشانه‌های سلامت روانی هر خانواده نیز می‌باشد؛ زیرا یکی از اهداف تشکیل زندگی، توالد و ازدیاد نسل بشری است و کم‌فرزندی، مسیری برخلاف این هدف مهم را طی می‌کند. روان‌شناسانی همچون مونتگمری (۱۹۶۹)، فیلدمن (۱۹۷۱)، راسل (۱۹۷۴) و... نیز به آثار وجودی فرزندان در خانواده اشاره نموده و معتقدند که حضور آنها تأثیرات مثبت و سازنده‌ای در زندگی والدین دارد. تداوم نسل و گسترش نقش والدی و فرزندپروری در اقبال مختلف جامعه علاوه بر توسعه جمعیت جوان و مولد باعث ارتقای سطح بهداشت روان آن جامعه نیز می‌شود و این بدین معناست که فرزندآوری هم بر سلامت خانواده و هم بر سلامت اجتماع تأثیر مستقیمی دارد.

باتوجه به نقش چشمگیر فرزندان در استحکام و تداوم حیات خانواده بدیهی است که زوج‌های دارای فرزند بیشتر نسبت به خانواده‌های کم‌جمعیت، روابط عاطفی عمیق‌تر و شادابی و نشاط بیشتری دارند. (شبیرو زنجانی، ۱۴۱۹ ه.ق، ۲۳/۷۸-۷۸؛ گروه نویسندگان، ۱۳۸۸) اگرچه فرزند کمتر آسایش مالی و توانگری اقتصادی بیشتری به همراه دارد، نباید از این مسئله غافل شد که خلأ یا کمبود فرزندان، بنیان روحی خانواده را سست می‌کند و موجب بی‌رونق بودن فضای عاطفی خانواده و افسردگی والدین می‌شود. از این رو، با مشاهده اثرات و پیامدهای



سوء کم‌فرزندی نمی‌توان سخن امام علی علیه السلام را تشویق و ترغیب مخاطب به آنچه که انسان را از هدف تشکیل زندگی دور می‌کند و امید و انگیزه وی برای ادامه حیات را به خاموشی می‌برد، دانست.

۲-۲-۴. دیدگاه شارحان نهج البلاغه

برخی شارحان نهج البلاغه معتقدند که در این حدیث، ترغیب و تحریضی به حصر عائله نیست. از نظر ابن میثم: «بی‌نیازی متعارف، وابسته به داشتن ثروت است و ثروت دو جنبه دارد: یکی به دست آوردن مال و دیگری خرج نکردن آن. بنابراین، به دست آوردن ثروت نوعی آسایش است و خرج نکردن آن به دلیل کمی عائله، آسایش دیگری است» (ابن میثم، ۱۳۷۵، ۵/۵۴۰). از نظر وی، کسی که عائله یعنی، زن، فرزندان و نان‌خوران کمتری دارد، حتی در صورت عدم تمکن مالی هم توانگری بیشتری دارد؛ زیرا برای مخارج زندگی، احتیاج کمتری به دیگران خواهد داشت. شیخ عباس قمی در شرح این روایت می‌نویسد: «کم بودن عائله در زمان فقر مانند آسودگی حقیقی است همان‌گونه که شخص ثروتمند عائله دار در آسودگی است، شخص فقیر کم‌عائله نیز در آسودگی است» (قمی، ۱۳۷۶).

تمکن مالی باعث آسایش و راحتی است؛ همان‌طور که اگر کسی توان مالی کمی دارد کم بودن عیالش باعث آسایش و فراغ بال اوست. کاشانی، دخیل، موسوی و مکارم شیرازی نیز در شرح این حدیث بر این باورند که کم بودن عیال موجب کم شدن انفاق و مخارج آنها می‌شود. در خانواده‌ای که فرزندان و عیال زیاد است به مراتب نفقه و مخارج آنها نیز زیاد می‌شود و این مستلزم تلاش بیشتر مرد است، اما قلت عیال که موجب قلت نفقه است آرامش و آسودگی را برای مرد به دنبال دارد. (ر.ک.، کاشانی، بی‌تا، ۶۶۷/۲؛ دخیل، ۱۴۰۶ هـ.ق، ۷۹/۳؛ موسوی، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۳۱۹/۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ۱۳/۱۵۳) از نظر شارحان نهج البلاغه این سخن هرگز در صدد ترغیب و تشویق به حصر عائله نیست و فقط گویای یک حقیقت خارجی است که با داده‌های منطقی و تجربی نیز هم‌خوانی دارد. بدیهی است کثرت عیال برای سرپرست خانواده، همراه با مشقت و سختی خواهد بود، اما این حقیقت خارجی منافی با استحباب آن نیست. برای مثال انفاق مال با ضیق معیشت، سخت است، اما با وجود سخت بودن، مستحب و پسندیده است.

۲- ۳. گونه‌های روایی حدیث

برای فهم بهتر سخن و کشف مراد اصلی معصوم علیه السلام رجوع به منابعی که حدیث مورد نظر را قبل از سیدرضی آورده‌اند و توجه کافی به سیاق هر کدام الزامی است.

در تحف العقول این روایت دوبار از امام علی علیه السلام به اشکال زیر نقل شده است:

- قال علی علیه السلام: «اسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ وَ حَصِّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ وَ مَا عَالَ أَمْرٌؤُ افْتَصَدَ وَ التَّقْدِيرُ نِصْفُ الْعَيْشِ وَ التَّوَدُّدُ نِصْفُ الْعَقْلِ وَ الْهَمُّ نِصْفُ الْهَرَمِ وَ قِلَّةُ الْعِيَالِ أَحَدُ الْيَسَارِينِ؛ فرود آمدن روزی را با صدقه بخواهید و اموالتان را با زکات حفظ کنید و آنکه میانه‌روی پیشه کرد، تنگدست نشد و اندازه نگه داشتن در زندگی نصف زندگی است و دوستی کردن نیمی از عقل است و غم و اندوه نصف پیری است و کمی نان خور یکی از دو آسایش است».

- وَقَالَ عَلِيٌّ علیه السلام: «الْفَقْرُ الْمُتَوَكَّرُ الْأَكْبَرُ وَ قِلَّةُ الْعِيَالِ أَحَدُ الْيَسَارِينِ وَ هُوَ نِصْفُ الْعَيْشِ وَ الْهَمُّ نِصْفُ الْهَرَمِ وَ مَا عَالَ أَمْرٌؤُ افْتَصَدَ؛ تهیدستی، مرگ بزرگ‌تر است و کمی نان خور، یکی از دو آسایش و نصف زندگی است و غم و اندوه، نصف پیری است و آنکه میانه‌روی پیشه کرد، تنگدست نشد».

(ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳)

دعائم الاسلام این روایت را به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین آورده است: «جَهْدُ الْبَلَاءِ كَثْرَةُ الْعِيَالِ وَ قِلَّةُ الْمَالِ أَحَدُ الْيَسَارِينِ؛ شدیدترین ابتلاء، پرعائلگی و تنگدستی است و کمی نان خور یکی از دو آسایش است».

(ابن حبیون، ۱۳۸۵، ۲/۲۵۵)

در کتاب من لایحضره الفقیه نیز این روایت از امام صادق علیه السلام چنین آمده است: «اسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ مَنْ أَيْقَنَ بِالْحَلْفِ جَادَ بِالْعَطِيَّةِ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يُنَزِّلُ الْمُعْتُونََةَ عَلَى قَدْرِ الْمُتُونََةِ حَصِّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ التَّقْدِيرُ نِصْفُ الْعَيْشِ مَا عَالَ أَمْرٌؤُ افْتَصَدَ قِلَّةُ الْعِيَالِ أَحَدُ الْيَسَارِينِ الدَّاعِي بِلَا عَمَلٍ كَالرَّامِي بِلَا وَتَرٍ التَّوَدُّدُ نِصْفُ الْعَقْلِ الْهَمُّ نِصْفُ الْهَرَمِ؛ فرود آمدن روزی را با صدقه بخواهید و آنکه پاداش الهی را باور دارد در بخشش سخاوتمند است. همانا خداوند تبارک و تعالی! رزق و روزی را به اندازه احتیاج نازل می‌کند. اموالتان را با زکات حفظ کنید و اندازه نگه داشتن در زندگی نصف زندگی است. آنکه میانه‌روی پیشه کرد، تنگدست نشد و کمی نان خور یکی از دو آسایش است. ثواب دهنده بی طاعت همچون تیرانداز بی کمان است و دوستی کردن نیمی از عقل است و غم و اندوه

نصف پیری است».

(صدوق، ۱۴۱۳، ۴/۴۱۶)

با مطالعه سیاق روایت قلة العیال می‌توان دریافت که عبارات پیش و پس این فراز در کلام معصوم علیه السلام حاوی نکات اقتصادی است. به نظر می‌رسد باید به این فراز از سخن نیز نگاهی اقتصادی داشت. برای مثال در عبارت «اسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ» امام صادق علیه السلام رابطه نزدیکی میان صدقات و افزایش رزق و روزی برقرار نموده است و یکی از علل فزونی رزق و روزی را پرداخت صدقه معرفی می‌کند. در عبارت «حَصِّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ» نیز پرداخت زکات را یکی از عوامل حفظ مال و کم نشدن آن می‌داند. جای تردید نیست که خداوند برکات خود را از کسانی که حقوق محرومان را نمی‌پردازند، برمی‌گیرد. در عبارت «يُتَزَّلُ الْمُنْعَوَةَ عَلَى قَدْرِ الْمُنْعُوَّةِ»، حضرت درصدد بیان این مطلب است که هرچه هزینه انسان بیشتر شود تلاش و کوشش وی برای رفع احتیاجات نیز بیشتر و مواهب فزون تری نصیبش می‌شود. اینکه در احادیث آمده است: «روزی، همراه همسران به خانه شوهران می‌آید» (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۳۳/۵) نیز ممکن است اشاره به همین معنا باشد که انسان مجرد تلاش زیادی برای زندگی نمی‌کند، اما هنگامی که احساس کرد بار مسئولیت نفقه همسر برعهده اوست تلاش و فعالیت خود را بیشتر می‌کند و این‌گونه روزی به خانه او سرازیر می‌شود. همچنین، هر زمان که صاحب فرزند یا فرزندان بیشتری شود این احساس و آن تلاش نیز بیشتر می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵/۱۳/۱۴۳). بنابراین، رزق هرکسی از طرف خداوند تضمین شده است و با افزایش عائله، روزی انسان هم افزایش خواهد یافت. باتوجه به سیاق روایت «قلة العیال» از آنجا که ثبات اقتصادی و ایجاد فراخ در کسب و معاش وظیفه حکومت است، می‌توان گفت که دیدگاه اسلام نسبت به ازدیاد نسل، نیاز به اقدامات حاکمیتی در اقتصاد دارد و حکومت موظف است شرایط اقتصادی را برای افرادی که عائله زیاد دارند چنان فراهم کند که فشار اقتصادی به سرپرست خانواده وارد نشود.

۲-۴. بررسی شبهه ترغیب به فرزندآوری کمتر

۲-۴-۱. بررسی شبهه براساس آیات قرآن

در آیات قرآن از فرزندان با عناوین و تعابیر مختلفی همچون نعمت‌های الهی (ر.ک.، نحل: ۷۲)، زینت زندگی (ر.ک.، کهف: ۴۶)، مایه چشم‌روشنی (ر.ک.، فرقان: ۷۴) و عامل تقویت نیروی انسانی در جامعه (ر.ک.، اسراء: ۶)، همچنین فرزندخواهی را سیره انبیای الهی معرفی کرده است (ر.ک.،



آل عمران: ۳۸) یاد شده است. برخی آیات قرآن کریم نیز به موضوعاتی مانند ازدیاد نسل بشر با همسر (ر.ک.، شوری: ۱۱۲)، تکثیر جمعیت (ر.ک.، اعراف: ۸۶)، افتخار به اولاد بیشتر (ر.ک.، سبأ: ۳۵)، حرمت قتل فرزند (ر.ک.، انعام: ۱۴۰) و تضمین روزی آنها از جانب پروردگار (ر.ک.، انعام: ۱۵۱؛ اسراء: ۳۱) اشاره دارد. باید توجه داشت که در مقابل این دسته از آیات، آیات دیگری هست که از معایب اولاد و تبعات دنیوی و اخروی آن سخن می‌گویند که عبارتند از: تعبیر فرزندان به فتنه (ر.ک.، انفال: ۲۸)، سرگرم شدن به آنها و غفلت از یاد خدا (ر.ک.، منافقون: ۹) وسیله عذاب برای کفار بودن (ر.ک.، توبه: ۵۵)، عدم سودرسانی در روز قیامت (ر.ک.، ممتحنه: ۳)، دشمنی (ر.ک.، تغابن: ۱۴)، بی‌تأثیر بودن در تقرب به درگاه الهی (ر.ک.، سبأ: ۳۷) و نکوهش تکاثر و تفاخر به فرزندان (ر.ک.، حدید: ۲۰). این آیات اگرچه در نگاه اول متناقض به نظر می‌رسند، اما با کمی تأمل روشن می‌شود که آنچه در ظاهر، عیوب فرزندآوری است در واقع، هشدار و تذکری برای افراد در مواجهه و تعامل با فرزندان است و ارتباطی به اصل فرزندآوری ندارد. بنابراین، آیات دسته دوم را نمی‌توان در مقام نفی مطلوبیت توالد نسل و فراوانی اولاد دانست، بلکه می‌توان گفت که درصدد مذمت افرادی است که از این مطلوب شارع به خوبی بهره نبرده و به واسطه فرزندانشان به گمراهی کشیده شده‌اند. (ثمینی، فتاحی و شاکری، ۱۳۹۷)

اول) تعارض شبهه با مسئله توکل

شاید یکی از دلالتی خانواده‌های امروزی برای کم‌فرزندی، نگرانی والدین از شیوه تربیت و تأمین نیازهای مادی فرزندان است، اما منطق اسلام همواره مخالف این توجیه است و روزی فرزندان را از جانب خداوند تضمین شده می‌داند. آیه ۳۱ سوره اسراء به صراحت بر این مطلب تأکید نموده است: «لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ مَحْنُ نَزْرُفُهُمْ وَ إِيَّاكُمْ إِنْ قَتَلْتُمْ كَانِ خَطَاً كَبِيراً؛ هرگز فرزندان خود را از ترس فقر به قتل نرسانید، که ما رازق آنها و شما هستیم؛ زیرا این قتل فرزندان بسیار گناه بزرگی است». «قرائتی (۵۲/۵، ۱۳۸۳) در تفسیر این آیه معتقد است که روزی دست خداست و زیادی جمعیت و نفرات بی‌اثر است، پس فرزند عامل فقر نیست. در منطق اهل بیت علیهم‌السلام نیز چنین دیدگاهی راه ندارد چنان‌که در روایتی از بکر بن صالح از اصحاب امام کاظم علیه‌السلام آمده است: «كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ علیه‌السلام أَنِّي اجْتَنَبْتُ طَلَبَ الْوَلَدِ مُنْذُ حَمْسِ سِنِينَ وَ ذَلِكَ أَنَّ أَهْلِي كَرِهَتْ ذَلِكَ وَ قَالَتْ إِنَّهُ يَشْتَدُّ عَلَيَّ تَرْبِيَّتُهُمْ لِقَلَّةِ الشَّيْءِ فَمَا تَرَى؟ فَكَتَبَ علیه‌السلام إِلَيَّ

اِظْلُبِ الْوَلَدَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَرْزُقُهُمْ؛ به امام کاظم علیه السلام نوشتیم: حدود پنج سال است که از طلب بچه خودداری کرده‌ام و این بدان سبب است که همسرم از این کار ناخشنود است و می‌گوید تربیت و نگهداری فرزندان به علت کمبود مالی مشکل است. نظر شما چیست؟ امام علیه السلام به من پاسخ داد که درپی فرزند باش؛ زیرا روزی آنها را خداوند عزوجل می‌دهد» (کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۳/۶).

حکمت ۱۳۹ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «تَنْزِيلُ الْمُعْوَنَةِ عَلَى قَدْرِ الْمُتَوَكِّلِ؛ کمک [ازطرف خداوند] به اندازه نیاز نازل می‌شود». (میرزایی، ۱۳۸۸) بنابراین، شکی در این نیست که خداوند روزی رسان است، اما باید توجه داشت که رزق هرکس به اندازه سعی و عملکرد اوست و خداوند برکت در مال و دارایی را بی‌واسطه و بدون تلاش تضمین نکرده است. از این رو، با توکل به خدای متعال و تلاش برای کسب رزق حلال می‌توان از بسیاری دغدغه‌های مالی گذر کرد. ابن‌ابی‌الحدید در شرح نهج‌البلاغه حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که می‌فرماید: «مَنْ وَسَّعَ وَسَّعَ عَلَيْهِ وَ كَلَّمَا كَثُرَ الْعِيَالُ كَثُرَ الرِّزْقُ؛ هرکس دامنه انفاق را گسترش دهد خداوند روزی او را وسیع‌تر می‌کند و هرزمان افراد خانواده انسان بیشتر شوند روزی نیز فزون‌تر خواهد شد» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ ه.ق، ۳۳۷/۱۸). بنابراین، اگر امام علی علیه السلام در روایت «قله العیال» به دنبال تشویق و ترغیب مخاطب به حصر عائله باشد، سخن ایشان با آیات قرآن کریم و روایات مبنی بر آموزه توکل متعارض خواهد بود.

برای حل این تعارض باید گفت که این حدیث دلالتی بر لزوم و یا حتی پسندیدگی حصر عائله ندارد و همان‌طور که آیت‌الله مکارم شیرازی نیز در شرح معنای این حکمت و به‌عنوان یکی از احتمالات بیان کرده است که سخن امام علی علیه السلام فقط بیان واقعیت و تسلی خاطر است برای کسانی که فرزندان کمی دارند و از آن رنج می‌برند. درست مثل اینکه هرگاه کسی مرکبی نداشته باشد به او می‌گویند: «نداشتن مرکب سبب آسودگی از هزینه‌های مختلف آن است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ۱۵۳/۱۳). پس هیچ تعارضی با توکل و روزی‌رسان بودن خداوند ندارد. همچنین امام علی علیه السلام در گفتار دیگری پیش از این حکمت فرموده است: «تَنْزِيلُ الْمُعْوَنَةِ عَلَى قَدْرِ الْمُتَوَكِّلِ؛ کمک و مساعدت آسمانی به مقدار مؤونه زندگی و مخارج لازم فرود می‌آید» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ ه.ق، ۳۵۸/۷). براساس این حدیث هرچه نان خوران و عائله بیشتر باشد، رزق و روزی و کمک و مساعدت الهی نیز بیشتر خواهد شد. این گفتار مؤید



دیگری بر آموزه‌های دینی مربوط به بحث توکل و روزی رسان بودن خداوند است و روایت قلة العیال، فقط درصدد بیان یک واقعیت است. عیال در لغت عرب به معنی فرزندان، همسران و نان خوران مانند خادم، شاگردان، غلام، کنیز و میهمانان وارد شده بر انسان است. بنابراین، نسبت میان عیال و اولاد، عموم و خصوص من وجه است و این روایت به فرزندآوری کمتر ترغیب نمی‌کند و تعارضی با بحث توکل ندارد.

۲-۴-۲. بررسی شبهه براساس آموزه‌های روایی

رجوع به آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام نشان می‌دهد که صحنه نهادن بر تمام تصورات و اعتقادات مردم درباره قلت عیال موضوعی است که با جوهره دین و پیام انبیای هم خوانی ندارد. در روایتی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده است: «تَزَوَّجُوا بِکَرًا وَلُودًا وَلَا تَزَوَّجُوا حَسَنَاءَ جَمِيلَةً عَاقِرًا فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَّمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ با دختر باکره‌ای که فرزندآور است، ازدواج کنید و با زن نازای زیبا ازدواج نکنید؛ زیرا من به فزونی جمعیت شما در روز قیامت مباحثات می‌کنم» (کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۳۳۳/۵). در این روایت، فزونی جمعیت مسلمانان عامل مباحثات پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم معرفی شده است. روشن است که تشویق به ازدواج با زن فرزندآور و بیان علت آن یعنی، مباحثات به فزونی جمعیت، بر مطلوبیت فرزندآوری دلالت دارد تا آنجا که برخی فقها برای استحباب ازدواج با دختر باکره زایا به این حدیث استدلال کرده‌اند (عاملی جبعی، ۱۴۱۰ ه.ق، ۶۴/۲).

در روایات متعدد از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرزندآوری موجب تفاخر و مباحثات ایشان نسبت به سایر امم در روز قیامت خواهد بود. (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۲/۶؛ کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۳۳۳/۵؛ صدوق، ۱۳۶۲، ۶۱۰/۲) در روایات دیگر، ایشان بهترین زنان امت خود را فرزندآورترین آنها می‌داند (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۳۲۴/۵؛ ابن حیون، ۱۳۸۵، ۱۹۱/۲). همچنین فرزندان را مایه آموزش والدین (ر.ک.، صدوق، ۱۴۱۳ ه.ق، ۲۸۳/۳؛ راوندی کاشانی، بی تا؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ق، ۹۷/۱۰) و برکت و عزت خانواده را معلول فرزندآوری می‌داند (ر.ک.، متقی هندی، ۱۴۰۱ ه.ق، ۲۸۱/۱۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ق، ۱۲۹/۱۰). امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ لَهُ الْوَلَدُ يُعْرِفُ فِيهِ شِبْهَهُ خَلْقَهُ وَ خُلُقَهُ وَ شِمَائِلَهُ؛ از سعادت مرد این است که برایش فرزندی باشد که در او شباهت آن مرد از قبیل شکل و خلق و خو و خصوصیاتش دیده شود» (کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۴/۶). امام کاظم علیه‌السلام نیز در تعبیری مشابه می‌فرماید: «سَعِدَ امْرُؤٌ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَرَى خَلْفًا مِنْ نَفْسِهِ؛ سعادت‌مند است انسانی که نمیرد تا جانشین خود را ببیند». (کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۴/۶) تعبیر به سعادت و

خوشبختی از فرزندداشتن در این احادیث جایگاه ارزشمند و ستوده این عمل را در گفتار معصومان علیهم السلام نشان می‌دهد. بنابراین، مطلوبیت فرزندآوری و فرزندداشتن در فرهنگ اهل بیت علیهم السلام امری ثابت است تا آنجا که یکی از نتایج حیات انسان مؤمن معرفی می‌شود (ر.ک.، طبرانی، بی تا، ۲۱۰/۲۳؛ صدوق، ۱۴۱۳ ه.ق، ۴۸۱/۳). دلالت این احادیث بر پسندیده بودن فرزندآوری بسیار روشن است و می‌توان آنها را یکی از بهترین مشوق‌های ازدیاد جمعیت در میان مسلمانان دانست. از مجموع این روایات و دیگر روایات موجود درباره فرزندآوری و فضائل اولاد (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۲/۶؛ صدوق، ۱۴۱۳ ه.ق، ۴۸۱/۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ ه.ق، ۳۵۵/۲۱) و نیز با توجه به اشاراتی که در بخش لغت‌شناسی مبنی بر مطلق بودن واژه عیال مطرح شد، می‌توان نتیجه گرفت که اطلاق روایت مورد بحث به واسطه روایات دیگری که دلالت بر محبوبیت فرزند و تکثیر موالید دارند از بین رفته و مقید می‌شود. به علاوه، وجود احادیثی از معصومان علیهم السلام مانند «الْكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ کسی که برای افراد خانواده‌اش تلاش می‌کند مانند مجاهد راه خداست» (کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۸۸/۵) نشانه فضیلت تحمل مشکلات در تأمین معیشت اعضای خانواده و جایگاه والای اهل و عیال به دلیل لزوم فراهم بودن اسباب و امکانات مورد نیاز زندگی آنهاست. در برخی کتب حدیثی روایاتی دیده می‌شود که از آنها مضمونی برخلاف آنچه تاکنون بیان شد، قابل استنباط است. روایاتی که فرضیه نکوهش فرزندداری یا فرزندخواهی در هرکدام از جنبه‌ای مردود دانسته می‌شود و این فهم نادرست ناشی از تتبع ناقص یا برخورد گزینشی است باید با نگاه دقیق‌تری به آنها نگریست. برخی از این احادیث عبارتند از: «ثَلَاثٌ مِنْ أَعْظَمِ الْبَلَاءِ كَثْرَةُ الْعَائِلَةِ وَ غَلَبَةُ الدِّينِ وَ دَوَامُ الْمَرَضِ؛ سه چیز از بزرگ‌ترین بلاهاست: زیادی نانخور، قرض انبوه و بیماری مزمن» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ه.ق) و «اسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ مِنَ الْفَقْرِ وَ الْعَيْلَةِ؛ از فقر و بسیاری نانخوران به خدا پناه ببرید» (پابنده، ۱۳۸۲). در این دو روایت از واژه عائله و عیله استفاده شده است که مفهوم آن به‌طور مطلق هر نان‌خوری اعم از اولاد و غیر آن را دربرمی‌گیرد. بنابراین، نمی‌تواند شاهی بر حسن فرزندان کمتر باشد. عیله به معنای تنگدستی (جوهری، ۱۴۰۴ ه.ق) نیز استعمال می‌شود.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «اللَّهُمَّ ارْزُقْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ مَنْ أَحَبَّ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ الْعَقَافَ وَ الْكِفَافَ وَ ارْزُقْ مَنْ أَبْغَضَ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ كَثْرَةَ الْمَالِ وَ الْوَلَدِ؛ خداوند! خداوند! محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و دوستان

آنان را همراه با عفت و بسندگی روزی ده و زیادی مال و فرزندان را بهره دشمنان محمد ﷺ و آل محمد ﷺ نما». (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۶۷/۶۹) در مورد این روایت می توان گفت که کثرت اموال و اولاد هر اندازه که از نعمات الهی است، می تواند موجب دل مشغولی، سرگرمی و انحراف از مسیر حق نیز شود. از آنجاکه دشمنان دین همواره در پی ضربه زدن به مقدسات و دنباله روی از هوا و هوس، شهوت و لذت جویی های دنیوی خود می باشند، بدیهی است از هر آنچه در این دنیا به آنها عطا شود برای مقاصد نادرست بهره می برند. بنابراین، ثروت و فرزند نیز مانند سایر دارایی ها وسیله ای برای غوطه ور شدن بیشتر در منجلاب گناه و فساد و ازدیاد آن موجب تباهی افزون تر است. از این رو، پیامبر اسلام ﷺ با طلب مال و اولاد برای مخالفان، خواهان دل مشغولی دشمنان دین به اهل و عیال خود و رها کردن مؤمنان است که تاحدودی از اندیشه آزار و اذیت مسلمانان کم می کند.

«مَرَّ جَعْفَرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بِصَيَّادٍ فَقَالَ يَا صَيَّادُ أَيُّ شَيْءٍ أَكْثَرَ مَا يَفْعُ فِي سَبْكَيْكَ؟ قَالَ الطَّيْرُ الزَّائِقُ. قَالَ فَزَرَّ وَهُوَ يَقُولُ هَلَكَ صَاحِبُ الْعِيَالِ، هَلَكَ صَاحِبُ الْعِيَالِ؛ امام صادق ﷺ در راه به صیادی برخورد و از او پرسید: ای صیاد! چه حیوانی بیشتر در تور تو گرفتار می شود. صیاد پاسخ داد: پرنده زاغ. راوی گوید: امام ﷺ در حالی که به راه خود ادامه می داد، فرمود: صاحب اهل و عیال هلاک شد، صاحب اهل و عیال هلاک شد». (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۷۲/۱۰۱) در توضیح این روایت باید گفت که زاغ و دیگر پرندگانی که جوجه دارند بیشتر به دام می افتند؛ زیرا همیشه در جست و جوی غذا برای جوجه ها هستند و به همین دلیل احتمال صید آنها بیشتر است. عبارت امام ﷺ نیز ناظر به همین مطلب است و کنایه از آن است که فرد هر چه عیال وارتر باشد سختی و مشقت او برای تأمین خوراک و دیگر نیازهای روزمره زندگی بیشتر از دیگران خواهد بود همان طور که ممکن است پرنده ای مانند زاغ در این راه جان خود را نیز از دست بدهد.

۲-۴-۳. تعارض شبهه با سیره معصومان ﷺ

آنچه مدارک و مستندات تاریخی موجود گواهی می دهد بسیاری از معصومان ﷺ چندین فرزند داشته اند که البته این تعداد از همسران مختلف بوده است. با استناد به کتاب منتهی الآمال شیخ عباس قمی براساس منابع متقدم، تعداد فرزندان معصومان در موارد ذیل قابل شمارش است:

- پیامبر اکرم ﷺ: ۶ فرزند از حضرت خدیجه علیها السلام و ۱ فرزند از ماریه قبطیه؛ (قمی، ۱۴۳۲ هـ.ق.

(۱۵۱/۱)

- امام علی علیهما السلام: ۲۷ فرزند (بنا به نقل شیخ مفید)؛ (قمی، ۱۴۳۲ هـ.ق. ۲۶۱/۱)
- امام حسن علیهما السلام: ۱۵ فرزند (بنا به نقل شیخ مفید)؛ (قمی، ۱۴۳۲ هـ.ق. ۳۳۷/۱)
- امام حسین علیهما السلام: ۶ فرزند؛ (قمی، ۱۴۳۲ هـ.ق. ۶۵۱/۱)
- امام سجاد علیهما السلام: ۱۵ فرزند (بنا به نقل شیخ مفید)؛ (قمی، ۱۴۳۲ هـ.ق. ۵۹/۲)
- امام باقر علیهما السلام: ۷ فرزند (بنا به نقل شیخ مفید و مرحوم طبرسی)؛ (قمی، ۱۴۳۲ هـ.ق. ۱۵۵/۲)
- امام صادق علیهما السلام: ۱۰ فرزند (بنا به نقل شیخ مفید)؛ (قمی، ۱۴۳۲ هـ.ق. ۲۰۷/۲)
- امام کاظم علیهما السلام: ۳۷ فرزند (بنا به نقل شیخ مفید)؛ (قمی، ۱۴۳۲ هـ.ق. ۲۹۱/۲)
- امام رضا علیهما السلام: ۱ فرزند (قول مشهور)؛ (قمی، ۱۴۳۲ هـ.ق. ۴۰۰/۲)
- امام جواد علیهما السلام: ۸ فرزند (بنا به نقل مرحوم فاضل حسینی مدنی)؛ (قمی، ۱۴۳۲ هـ.ق. ۴۵۳/۲)
- امام هادی علیهما السلام: ۵ فرزند؛ (قمی، ۱۴۳۲ هـ.ق. ۵۰۷/۲)
- امام حسن عسکری علیهما السلام: ۱ فرزند (قول مشهور). (قمی، ۱۴۳۲ هـ.ق. ۵۲۲/۲)

۳. بحث و نتیجه‌گیری

جست‌وجوی منابع حدیثی نشان می‌دهد که عبارت «قَلَّةُ الْعِيَالِ أَحَدُ الْيَسَارِينِ» در کتب روایی با سندی متصل، صحیح و در برخی از روایات با سندی موثق از ناحیه معصوم علیهما السلام صادر شده و کلامی از جانب اهل بیت علیهم السلام است که قابل استناد می‌باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که اولین روایت‌گر این سخن، پیامبر اکرم ﷺ است و ائمه بعد مانند امام علی علیهما السلام، امام صادق علیهما السلام و امام جواد علیهما السلام بازگوکننده کلام ایشان هستند. تحلیل محتوای این روایت نشان می‌دهد برخلاف تصور برخی که از این عبارت، ترغیب امام علی علیهما السلام به کم‌فرزندی را نتیجه گرفته‌اند این سخن هرگز درصدد بیان چنین مضمونی نبوده و فقط گویای یک حقیقت خارجی است که با داده‌های منطقی و تجربی نیز هم‌خوانی دارد. از این رو، قابلیت رد یا انکار برای آن متصور نخواهد بود. طبیعی است کثرت عیال برای سرپرست خانواده همراه با سختی و مشقت است، اما این حقیقت خارجی منافاتی با استحباب آن ندارد.

برای مثال، انفاق مال با ضیق معیشت سخت است، اما با وجود همین سخت بودن، مستحب و پسندیده است.

آموزه‌های قرآنی، روایی، فقهی، روان‌شناختی و سیره اهل بیت علیهم‌السلام نیز بر مفهومی مخالف این باور یعنی، اهمیت فرزندآوری و تداوم نسل بشر با توالد و تربیت اولاد شایسته‌ای که موجبات رشد و پیشرفت جامعه را فراهم کند، دلالت دارد. بنابراین، باید گفت که رجحان کاهش فرزند از سخن امام علی علیه‌السلام مستفاد نمی‌شود و این روایت نیز تعارضی با کثرت موالید ندارد. با توجه به سیاق روایت می‌توان دریافت که عبارات پیش و پس این فراز در کلام معصوم علیه‌السلام حاوی نکات اقتصادی است. بنابراین، پس به نظر می‌رسد به این فراز از سخن نیز باید نگاهی اقتصادی داشت. از آنجا که ثبات اقتصادی و ایجاد فراخ در کسب و معاش وظیفه حکومت است، می‌توان گفت که دیدگاه اسلام نسبت به ازدیاد نسل نیاز به اقدامات حاکمیتی درباره اقتصاد دارد و حکومت موظف است شرایط اقتصادی را برای افراد با کثرت عائله چنان فراهم کند که فشار اقتصادی به سرپرست خانواده وارد نشود.

با نگاهی دقیق‌تر به محتوای حدیث می‌توان دریافت که این روایت جنبه عمومی ندارد و به همه افراد صدق نمی‌کند. مصداق این روایت فقط خانواده‌هایی است که تمکن مالی کافی ندارند؛ زیرا در این خانواده‌ها کثرت عیال نه تنها آسایشی در پی ندارد، بلکه باعث از بین رفتن آرامش روانی خانواده می‌شود. پس توصیه امام علی علیه‌السلام در مورد چنین خانواده‌هایی قلت عیال است. بر اساس نظریه مشهور شارحان نهج البلاغه ذیل این حکمت، کم بودن عائله در زمان فقر مانند آسودگی حقیقی است. همان‌طور که شخص ثروتمند عائله‌دار در آسودگی است، شخص فقیر کم‌عائله هم در آسودگی است، پس این حدیث به این مسئله اشاره دارد که هنگام نبود یا کمبود امکانات، آسایش در قلت عیال است.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۷۶). مترجم: الهی قمشه‌ای، مهدی. تهران: بنیاد نشر قرآن و انتشارات امیرکبیر.
۱. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله (۱۴۰۴ ه.ق). شرح نهج البلاغه. قم: مکتبه آیت‌الله المرعشی النجفی.
 ۲. ابن‌حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۳۸۵). دعائم الاسلام. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
 ۳. ابن‌خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۰۸ ه.ق). تاریخ ابن‌خلدون. بیروت: دارالفکر.
 ۴. ابن‌سیده، علی بن اسماعیل (۱۴۲۱ ه.ق). المحکم والمحیط الاعظم. بیروت: دارالکتب العلمیه.
 ۵. ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳). تحف العقول عن آل الرسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم. قم: جامعه مدرسین.
 ۶. ابن‌فارس، احمد (۱۴۰۴ ه.ق). معجم مقاییس اللغه. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
 ۷. ابن‌منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ه.ق). لسان العرب. بیروت: دارصادر.

۸. ابن میثم، میثم بن علی (۱۳۷۵). شرح نهج البلاغه. مترجم: محمدی مقدم، قربانعلی، و دیگران. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۹. اردبیلی، محمدبن علی (۱۴۳۳ ه.ق). جامع الرواه و ازاحه الاشتباهات عن الطرق و الاسناد. بیروت: دارالاضواء.
۱۰. ازهری، محمدبن احمد (۱۴۲۱ ه.ق). تهذیب اللغة. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۱. آقازیرگ تهرانی، محمدمحسن (۱۴۰۳ ه.ق). الذریعه الی تصانیف الشیعه. بیروت: دارالاضواء.
۱۲. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). نهج الفصاحه. تهران: دنیای دانش.
۱۳. تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد (۱۴۱۰ ه.ق). غررالحکم و دررالکلم. قم: دارالکتاب الاسلامی.
۱۴. ثمنی، لیلان، فتاحی، سیدمحسن، و شاکری گلپایگانی، طوبی (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی حکم فرزندآوری در فقه عامه و امامیه با رویکردی بر مقاصد شریعت. نشریه مذاهب اسلامی، ۱۹(۵)، ۱۸۱-۲۰۰.
۱۵. جاحظ، عمروبن بحر (۲۰۰۲). البیان والتبیین. بیروت: دارو مکتبه الهلال.
۱۶. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۴ ه.ق). تاج اللغة و صحاح العربیه. بیروت: دارالعلم.
۱۷. حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ ه.ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۸. حسینی، عبدالزهرا (۱۴۰۹ ه.ق). مصادر نهج البلاغه و اسانیده. بیروت: دارالزهراء.
۱۹. حسینی طهرانی، سید محمدحسین (۱۴۲۵ ه.ق). رساله نکاحیه (کاهش جمعیت، ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین). مشهد: علامه طباطبائی رحمته الله علیه.
۲۰. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱ ه.ق). خلاصه الاقوال (رجال العلامه الحلی). قم: دارالذخائر.
۲۱. حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ ه.ق). قرب الاسناد. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۲. خوبی، سید ابوالقاسم (۱۳۶۹). معجم رجال الحدیث. قم: مرکز نشر آثار شیعه.
۲۳. دخیل، علی محمد علی (۱۴۰۶ ه.ق). شرح نهج البلاغه. بیروت: دارالمرتضی.
۲۴. دشتی، محمد (۱۳۷۹). نهج البلاغه. قم: مشهور.
۲۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ه.ق). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دارالقلم.
۲۶. راوندی کاشانی، فضل‌الله بن علی (بی تا). النوادر. قم: دارالکتاب.
۲۷. زبیدی، محمدبن محمد مرتضی (۱۴۱۴ ه.ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دارالفکر.
۲۸. سقایی بی‌ریا، محمد جواد (۱۴۰۱). دیدگاه جمعیتی اسلام و اهداف آن در پرتو آیات قرآن و روایات. پایان نامه دکترا. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه. قم.
۲۹. سلطان محمدی، حسین، و سلطان محمدی، فاطمه (۱۴۰۰). بررسی مبانی فقهی ناظر بر فرزندآوری و تکثیر مولود در فقه شیعه. نشریه حکومت اسلامی، ۴(۲۶)، ۹۷-۱۲۶.
۳۰. شاهین، داریوش (۱۳۷۹). نهج البلاغه. تهران: جاویدان.
۳۱. شبیری زنجانی، سیدموسی (۱۴۱۹ ه.ق). کتاب نکاح. قم: رأی پرداز.
۳۲. شریف‌الرضی، محمدبن حسین (۱۴۱۹ ه.ق). نهج البلاغه. قم: دارالتقلین.
۳۳. صاحب، اسماعیل بن عیاد (۱۴۱۴ ه.ق). المحيط فی اللغة. بیروت: عالم الکتب.
۳۴. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۴۱۷ ه.ق). جامع الاحکام. قم: انتشارات حضرت معصومه علیها السلام.
۳۵. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۷۵). اقتصادنا. قم: مکتب العالم الاسلامی.
۳۶. صدوق، محمدبن علی (۱۳۶۲). الخصال. جامعه مدرسین.
۳۷. صدوق، محمدبن علی (۱۳۷۶). الامالی. تهران: کتابچی.
۳۸. صدوق، محمدبن علی (۱۳۷۸). عیون اخبار الرضا علیه السلام. تهران: جهان.
۳۹. صدوق، محمدبن علی (۱۴۱۳ ه.ق). من لایحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۰. صولی، ابوبکر محمدبن یحیی (۱۳۴۱). ادب الکتب. بغداد: المکتبه العلمیه.
۴۱. طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد (بی تا). المعجم الکبیر. قاهره: مکتبه ابن تیمیه.
۴۲. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن (۱۳۸۱). الرجال. نجف: حیدریه.
۴۳. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن (۱۳۸۷). المبسوط فی فقه الامامیه. تهران: المکتبه الرضویه لاحیاء الأثران الجعفریه.
۴۴. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن (۱۴۰۷ ه.ق). الخلاف. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۵. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن (بی تا). الفهرست. نجف: المکتبه الرضویه.
۴۶. عاملی جبعی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۰ ه.ق). الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه. قم: المحشی کلانتر.

۴۷. عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی (۱۴۱۰ هـ.ق). *اللمعه الدمشقیه فی فقه الامامیه*. بیروت: دار التراث. دار الاسلامیه.
۴۸. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ هـ.ق). *کتاب العین*. قم: هجرت.
۴۹. قرائتی، محسن (۱۳۸۳). *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۵۰. قمی، شیخ عباس (۱۳۷۶). *شرح حکم نهج البلاغه*. تهران: بنیاد نهج البلاغه.
۵۱. قمی، شیخ عباس (۱۴۳۲ هـ.ق). *منتهی الآمال فی تواریخ النبی و آل*. بیروت: دارالمصطفی العالمیه.
۵۲. کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله (بی تا). *تنبیه الغافلین و تذکره العارفین (ترجمه و شرح نهج البلاغه)*. تهران: پیام حق.
۵۳. کشی، محمد بن عمر (۱۳۴۸). *اختیار معرفه الرجال (رجال الکشی)*. مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد.
۵۴. کیدری، قطب‌الدین محمد بن حسین (۱۴۱۶ هـ.ق). *اصباح الشیعه بمصباح الشریعه*. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۵۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ هـ.ق). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۵۶. گروه نویسندگان (۱۳۸۸). *تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۵۷. مازندرانی حائری، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۶ هـ.ق). *منتهی المقال فی احوال الرجال*. قم: مؤسسه آل‌البتی علیهم السلام لاحیاء التراث.
۵۸. متقی هندی، علاء‌الدین علی بن حسام‌الدین (۱۴۰۱ هـ.ق). *کنز العمال*. بیروت: مؤسسه الرساله.
۵۹. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ هـ.ق). *بحار الأنوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶۰. مسعودی، عبدالهادی (بی تا). *روش فهم حدیث*. بی جا: سمت.
۶۱. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ هـ.ق). *المقنعه*. قم: کنگره هزاره شیخ مفید.
۶۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۵). *پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۶۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۸ هـ.ق). *احکام بانوان*. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۶۴. منتظری، حسینعلی (بی تا). *رساله استفتائات*. قم: بی نا.
۶۵. موسوی، عباسعلی (۱۴۱۸ هـ.ق). *شرح نهج البلاغه*. بیروت: دارالرسول الاکرم صلی الله علیه و آله.
۶۶. میرزایی، علی اکبر (۱۳۸۸). *نهج البلاغه*. قم: عصر غیبت.
۶۷. نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷ هـ.ق). *رجال النجاشی*. قم: جامعه مدرسین.
۶۸. نفیسی، شادی (۱۳۸۰). *معیارهای نقد متن در ارزیابی حدیث*. نشریه مقالات و بررسی‌ها، ۷۰، ۱۱-۴۴.

